

پدیده افراط‌گرایی و تکفیر در عصر حاضر، علل ظهور و نقش علمای اسلام در مقابله با آن

رحیمی، ثریا^۱
حاتمی کن کبود، حبیب^۲

چکیده

آثار هولناک تندروی‌ها، خشونت‌ها و جنایات روزافزون گروه‌های تکفیری، لزوم مبارزه‌ی صحیح و سریع با این پدیده‌ی شوم و ریشه‌کن نمودن این آفتی را که ابعاد و دامنه‌ی آن روبه گسترش است، دوچندان می‌کند. گرچه افراد مختلف در جامعه هر یک به نسبت‌های متفاوت می‌توانند در مهار این بحران اثرگذار باشند، اما نقش علمای دین در این میان بسیار پررنگ‌تر از سایر اقشار جامعه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چالش افراط‌گرایی، خشونت و تکفیر در عصر حاضر پرداخته و علل گرایش افراد به خشونت و افراط را بیان می‌دارد و با نظر به تلاش دشمنان برای ایجاد اسلام‌هراسی و ترسیم چهره‌ای غیرواقعی از مسلمانان در اذهان عمومی، برخی از مسؤولیت‌های علمای دین هم‌چون: تبیین مواضع اسلام در خصوص تکفیر دیگران و تعدی به حقوق آن‌ها، بازگو نمودن حقیقت اسلام و تسامح و عطف اسلامی، نهادینه کردن آموزه‌های دینی در افکار جامعه، اصلاح مناهج تعلیم و تربیت اسلامی مطابق با نیاز روز، آموزش دانش‌آموختگانی آگاه و... را در مواجهه با این بحران‌ها برمی‌شمرد.

کلید واژگان: علمای دین، شیعه، سنی، خشونت، تکفیر

sorayya.rahimi@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

hatami1014@gmail.com

^۲ استاد معارف اسلامی دانشگاه لرستان و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه

مقدمه

شاخصه‌ی بارز دین مبین اسلام، رحمت و مغفرت نسبت به آفریدگان، هم‌سویی با فطرت دینی فراگیر و جهان‌شمول و قابلیت تطبیق با همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها است. این جامعیت دین اسلام سبب شده که فطرت‌های سالم و نهادهای پاک و بیدار از هر سو به آن گرویده و هرچه غور و تعمق در آن افزون شود، ژرفای مفاهیم آن بیش‌تر آشکار گردد.

اما با وجود تعالیم روح‌بخش اسلام و کتاب الهی، فتنه‌ای در عالم برخاسته که نه تنها امت اسلامی را با خطر تفرقه، تکفیر و دیگرکشی مواجه کرده، بلکه، دامن تمامی بشریت را گرفته است و متأسفانه، همه‌ی این فتنه و آشوب، از آلوده نمودن ساحت دین و مقدسات به خرافات و موهومات و نیز دگم‌اندیشی و کوته‌فکری با ادعای غیرت بر سلامت دین و محافظت از آن برمی‌خیزد.

بر پایه‌ی این حمیت و غیرت ظاهری، پدیده‌ای شوم و خطرناک با نام تکفیر شکل گرفته که جنایتی عظیم بر ضد بشریت است و آرامش و امنیت بسیاری از جوامع را تحت شعاع خود قرار داده، زیربنای اقتصادی کشورهای درگیر را متزلزل نموده و جان و مال افراد را به خطر انداخته است و متأسفانه هر روز شاهد افزایش آمار قربانیان تکفیر و خشونت در جای جای جهان هستیم.

در این میان، هرگاه جنایتی توسط گروه‌های تکفیری و فرقه‌های افراط‌گرا در نقطه‌ای از جهان صورت می‌گیرد، دشمنان اسلام، بدون درنگ، آن را به مسلمانان و به تعالیم اسلام نسبت می‌دهند و اسلام را دینی جنگ‌طلب و مسلمانان را افرادی تندرو و خون‌ریز معرفی می‌نمایند. این امر می‌طلبد، مدافعان اسلام در برابر تهاجم دشمنان به آموزه‌های دین، زشت‌نمایی چهره‌ی دین اسلام و انحراف افکار عمومی و نیز در واکنش به جنایت‌ها و اعمال ضد بشری گروه‌های تکفیری، تنها به تقبیح این اعمال و بیان این‌که تعالیم اسلام با این سلوک معارض بوده و خشونت و دیگرکشی منافی آموزه‌های اسلامی است، اکتفا نکرده، بلکه مفهوم نادرستی را که از اسلام در ذهن جوانان تندرو نقش بسته آشکار نمایند. چرا که بسنده نمودن به تقبیح و انکار کافی نیست؛ بلکه باید به دنبال این باشند که ریشه‌ی این فساد و افراط در کجا نهفته است؟ و چه خلاهایی راه را برای نفوذ اندیشه‌های تکفیری در میان جوامع هموار نموده است؟

ظهور پدیده‌ی خشونت‌طلبی و برداشت‌های نادرست از اسلام، تبعاتِ جبران‌ناپذیری را برای کشورهای مسلمان و حتی دولت‌های غربی به دنبال داشته است که لزوم همبستگی جهانی را برای رفع این معضل می‌طلبد. بر صاحب‌قلمان و پژوهش‌گران واجب است، با توجه به تخصصی که در اختیار دارند، در برابر تکفیر و خشونت سکوت نکرده و دوشادوش دولت‌ها در مبارزه با افراط‌گرایی و یافتن راهی برای علاج این فتنه تلاش کنند.

اهداف پژوهش

این مختصر با هدف کلی بررسی نقش علمای دین، به عنوان منادیان اسلام و مروجان این آیین صلح و دوستی میان بشریت، در مقابله با بحران خشونت و تکفیر در عصر حاضر نگاشته شده است. چرا که نقش عالمان دین در مقابله با افراط‌گرایی‌ها و برداشت‌های ناصحیح از دین، بدیهی و انکارناپذیر است و آنان باید با روشن‌گری‌های لازم، ارائه‌ی تعالیم سازنده‌ی دین مبین اسلام و آشکارسازی فتنه‌ها و ادعاهای دروغینی که با نام اسلام تبلیغ شده و موجب گمراهی افراد ناآگاه را فراهم می‌آورد، اذهان عمومی را با اسلام واقعی آشنا سازند، آموزه‌های این دین مبین را در نفی خشونت و تعدی به حقوق دیگران بازگو کنند و خطرات شیوع افراط و تفسیر خودسرانه‌ی آیات و روایات را برای مردم جامعه تبیین نمایند، چرا که علاج همه‌ی این افراط‌ها، خشونت‌ها و تکفیرهایی که با نام دین اسلام و به بهانه‌ی دفاع از اسلام صورت می‌گیرد، در خود اسلام نهفته است

در ضمن این هدف کلی، بررسی ریشه‌های گرایش افراد به خشونت و افراط، تبعات ظهور افراط‌گرایی و خشونت، رد خشونت در اسلام و تلاش معاندان برای تشویه چهره اسلام، به عنوان اهداف فرعی پژوهش مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

پرسش‌ها

این مقاله بر آن است تا با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با بررسی چالش افراط‌گرایی، خشونت و تکفیر در عصر حاضر، نقش علمای دین را در برون رفت از این بحران‌ها بررسی کند و به سؤالات ذیل پاسخ گوید:

۱. چه عواملی جزو اثرگذارترین محرک‌ها برای گرایش افراد به خشونت است؟
۲. نگاه علمای فریقین نسبت به مسأله تکفیر چگونه است؟

۳. بارزترین فعالیت‌هایی که علما می‌توانند در مقابله با بحران تکفیر و گرایش افراد به خشونت انجام دهند، کدام است؟

پیشینه‌ی پژوهش

کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های بسیاری در زمینه‌ی بررسی خشونت، تکفیر در اسلام و نحله‌های انحرافی به رشته‌ی تحریر درآمده و هرکدام، زاویه‌ای از زوایای تکفیر و خشونت را مورد بررسی قرار داده است که از جمله‌ی آن‌ها به صورت مختصر می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

حمید انصاریان در پایان‌نامه: «بررسی تاریخی و انتقادی مسئله‌ی تکفیر تا قرن پنجم هجری» (دانشگاه معارف قم/۱۳۹۴) به رصد تاریخ تکفیر در چهار قرن نخست تاریخ اسلام، عوامل شکل‌گیری و پیامدهای آن می‌پردازد. در همین راستا، پایان‌نامه «تکفیر از دیدگاه مفید و غزالی» نگاشته‌ی سمیه اشرفی (دانشگاه اصفهان/۱۳۹۰)، با رویکرد کلامی به تبیین و مقایسه‌ی ماهیت ایمان و کفر و مصادیق تکفیر از دیدگاه ابوحامد غزالی متفکر اشعری و محمدبن نعمان معروف به شیخ مفید متفکر شیعه می‌پردازد. فؤاد کاظم مقدادی در کتاب «آراء علماء المسلمین و فتاواهم فی تحریم تکفیر أتباع المذاهب الإسلامیة» (تهران/۱۳۸۶) فتاوا و آراء علمای شیعه و اهل سنت را در نهی تکفیر پیروان مذاهب اسلامی بررسی می‌نماید. «بازخوانی تکفیر و تکفیرگرایی در بین مسلمانان» اثر علی اکبر نیکزاد، مروری بر دیدگاه‌های تکفیری برخی از فرقه‌های اسلامی و نقد این دیدگاه‌ها است و نویسنده ضمن بیان پیشینه‌ای از تکفیرگرایی در جهان اسلام، به ریشه‌یابی این پدیده و عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری آن می‌پردازد. غالب حسن الشابندر در کتاب «لا تکفیر فی القرآن» (بیروت/۱۴۳۰)، ذیل سه بخش به رصد موضوع تکفیر پرداخته است. در دو بخش نخست، تکفیر از منظر آیات قرآن کریم و ادله‌ی قرآنی مبنی بر تحریم تکفیر مسلمانان بررسی شده و بخش سوم کتاب، به رصد و تبیین تکفیر از منظر دمکراسی و مردم‌سالاری و حقوق شهروندی اختصاص یافته است.

پژوهش حاضر در ادامه‌ی پژوهش‌های پیشین و با بهره‌گرفتن از تالیفاتی که پیش‌تر در بررسی پدیده‌ی تکفیر و افراط به رشته‌ی تحریر در آمده است، بر آن است تا با مطالعه‌ی جایگاه علمای دین در مبارزه با خشونت و افراط، به بررسی یکی از بحران‌های مهم دوران کنونی، یعنی فتنه‌ی تکفیر و تکفیری‌ها، پردازد.

پیش از پرداختن به مسؤلیتی که علماء در مقابله با افکار خشونت طلب و افراط‌گرا بر عهده دارند، دلایل گرایش افراد به خشونت به صورت مختصر بیان می‌گردد، زیرا لازمه‌ی علاج بحران در وهله‌ی نخست شناخت ریشه‌ها و عوامل آن است.

۱. عوامل گرایش به خشونت و افراط

در گرداب حوادث دردناک و تأسف‌باری چون قتل، ترور، انفجار، عملیات انتحاری و منهدم ساختن مساجد و اماکن مذهبی که امروزه جهان، به‌ویژه کشورهای عربی، شاهد آن است و متأسفانه روز به روز بر دامنه و عمق آن افزوده می‌شود و در چالش پیوستن جوانان به گروه‌های تکفیری و شیوع انحرافات اخلاقی در جوامع، این سوال مطرح می‌شود که چه چیز این جوانان را به باتلاق خشونت و دیگرکشی و حتی خودکشی کشانده است؟

هنگامی که به بررسی دلایل روی آوردن افراد به تندروی و افراط می‌پردازیم و می‌خواهیم بدانیم که با وجود شدت قبح و زشتی اعمالی چون ویران کردن مساجد و منفجر نمودن محل‌های رفت و آمد و کسب و کار مردم و منافات داشتن شکنجه و سربریدن انسان‌های بی‌گناه با روان سالم و فطرت پاک بشری، چگونه افرادی جذب این گروه‌ها و فریفته‌ی افکار خشونت‌آمیز و افراط‌گرا می‌شوند، درمی‌یابیم، که عوامل بسیاری در این انحراف دخیل‌اند که برشمردن همه‌ی آن‌ها مستلزم تحقیقات گسترده و دقیقی است و خود بحثی دیگر را می‌طلبد، چرا که پدیده‌ی تکفیر و خشونت‌طلبی در دنیای امروز، معضلی پیچیده و با ابعاد گوناگون است و نمی‌توان آن را صرفاً یک جریان فکری محض دانست و از دیگر ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی تاریخی اثرگذار در نشأت این پدیده غافل ماند.

پژوهش‌گران بر این‌که دلایل روی آوردن به خشونت و ترور نزد افراد مختلف، متفاوت و متعدد است، اتفاق نظر دارند. انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بحران‌های روحی و شخصیتی، همه و همه می‌تواند در گرایش افراد به خشونت مؤثر باشد، اما، شاید بتوان با اطمینان گفت؛ از بارزترین و مهم‌ترین دلایل گرایش افراد به گروه‌های تروریستی و تکفیری، خلاهای فکری است، به عبارت دیگر، اندیشه‌های ناصحیحی که با نام دین اسلام به این افراد القا می‌شود، هرگونه خشونت و افراطی‌گری را در راه این اسلام دور از واقع، برای آن‌ها توجیه می‌نماید.

به هر حال، برای یافتن راهی برای برون رفت از این بحران، باید در وهله‌ی نخست اسباب این چالش را بیان نمود. در زیر، چند مورد از مهم‌ترین عوامل بروز خشونت و روی آوردن به تکفیر دیگران و توجیه قتل و غارت نزد افراط‌گرایان به صورت مختصر بررسی می‌شود:

۱-۱. فقر و تنگنای اقتصادی

عوامل اقتصادی نقش مهمی را در هدایت افراد به سمت خشونت و ترور و پیوستن به گروه‌های تندرو ایفا می‌کند. فقر، گرسنگی و فقدان عدالت اجتماعی در یک جامعه، به گونه‌ای که شکاف طبقاتی ملموس و محسوسی را میان افراد ایجاد نموده و جامعه را به دو گروه غنی و فقیر تقسیم کند، می‌تواند آثاری سوء و غیرقابل جبران را بر کنش افراد یک جامعه بر جای نهد و منجر به شیوع رفتارهای ضد اجتماعی و رواج خشونت در آن جامعه گردد.

با وجود این‌که برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که عوامل اقتصادی هم‌چون فقر و بیکاری، به این دلیل که فرد در این حالت، قادر نیست نیازهای اولیه‌ی خود را تأمین نماید و امیدی به آینده‌ی خویش ندارد، از مهم‌ترین اسباب انتخاب مسیر خشونت و تعدی به حقوق دیگران است (فتوحی عید، ۱۴۲۰ ق: ۱۳۴) و این فقر به ناامیدی منجر می‌شود و فرد نسبت به جامعه و حکومت خود خشمگین بوده و به اعمال تلافی‌جویانه برای ضربه زدن به جامعه دست زند؛ با این وجود، باید گفت فقر و فشار اقتصادی به تنهایی برای توجیه افراط و گرایش افراد به خشونت کافی نیست، چرا که جوامع اسلامی در دوران پیشین نیز به دور از مشکل فقر و تنگدستی نبوده‌اند اما این فقر، افراد را به اعمال تروریستی سازمان‌یافته و قتل و کشتار هم‌نوعان، آن‌چنان که امروزه شاهد آن هستیم، نکشاند بود و پدیده فقر و مشکلات اقتصادی، امری نوظهور نیست که تنها در عصر حاضر پا به عرصه‌ی وجود نهاده باشد.

آن‌چه را در خصوص تأثیر عوامل اقتصادی بر گرایش افراد به افراط، خشونت و خون‌ریزی می‌توان پذیرفت، این است که؛ فقر و بیکاری و به حاشیه رانده شدن گروهی از مردم در جامعه، می‌تواند کینه و خشم افرادی که حق خود را پایمال شده می‌دانند، برانگیزد. در واقع، خلل در عدالت اجتماعی و سوء توزیع ثروت در یک جامعه و محرومیت نسبی که بر مردم جامعه‌ای تحمیل شود، می‌تواند موجبات واکنش تند محرومین و کسانی که حقوقشان سلب شده و جایگاهی شایسته و درخور برای

خود در جامعه نمی‌بینند، فراهم آورد و این امر، زمینه‌ی مساعدی را برای گروه‌های افراط‌گرا فراهم می‌سازد تا با هدف قرار دادن این نقاط ضعف و وعده‌ی پول و ثروت و زندگی مملو از رفاه و آسایش، آن‌ها را به پذیرش افکار و اجرای نیات شوم خود وادار سازند.

۱-۲. جریان‌های فکری التقاطی و افراط‌گرا

امروزه جهان اسلام از تقسیمات و انشعابات فکری خطرناکی رنج می‌برد و جریان‌ها و گرایش‌های مختلفی از درون این دین سر بر آورده‌اند، که سر منشا این تکفیرها، دیگرکشی‌ها و جنایت‌هایی گشته که به تبع آن گریبان‌گیر جهان اسلام شده است. علت و انگیزه‌ی همه‌ی این انحرافات و تقسیم‌بندی‌ها، جهل و ناآگاهی نسبت به دین و دوری از اسلام راستین و عدم تمسک به تعالیم نجات‌بخش این دین الهی است.

یکی از بارزترین جریان‌های فکری معاصر، سکولاریسم است که انسان را به زیستن بدون دخالت دین و شریعت آسمانی فرا می‌خواند. «مدافعان سکولاریسم، به طور آگاهانه، همه‌ی اشکال و صور اعتقاد به امور ماورای طبیعی را رد می‌کنند و اصول غیر دینی یا ضد دینی را بنیاد اخلاق شخصی و سازمانی قرار می‌دهند». (ویلسون، ۱۳۷۷ ش: ۲۱) در واقع، حکومت سکولار، نه مشروعیت خود را از دین کسب می‌کند نه احکام و قوانین عملی خود را. (سروش، ۱۳۷۴ ش: ۶)

«سکولاریسم به عنوان یک جریان فکری مسلط در جهان غرب و به مثابه‌ی یک فرایدئولوژی، نوعی اندیشه در باب حیات بشری است که در آن ساحت حیات جمعی انسان‌ها و نیز حوزه‌ی معرفت و علم، عاری از مرجعیت دین و تأثیر عوامل ماورایی در نظر گرفته می‌شود. این جریان فکری در تطور تاریخی خود توانسته است چالش‌های جدی در برابر ایده‌ی حکومت اسلامی ایجاد نماید. چالش‌های سکولاریستی از مهم‌ترین مخاطرات فراروی نظام‌های سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است». (امیدی، ۱۳۸۷ ش: ۱۳)

در مقابل این جریان فکری بارز در دوران کنونی، گرایش افراط‌گرایی دینی است که با جامعه‌ی مدرن امروز و با هرچه با پیشرفت تمدن حاصل شده در تضاد است و پیشرفت‌های علمی و ترقی‌های بشر در عصر حاضر در نظر اصحاب این فکر و اندیشه، چیزی جز فساد اخلاقی و بی‌بند و باری نیست. آن‌ها بر این باورند که پیشرفت تمدن و صنعتی شدن، فرد را در شرایطی قرار داده که برای خود و در راه ارضای تمایلات خود

گام بردارد و از آداب و فضیلت به دور باشد. گرچه پیروان این اندیشه، استفاده از تسلیحات پیشرفته را برای خود مستثنی نموده و آن را مغایر با کهن‌گرایی نمی‌دانند. هرکدام از طرفداران این دو جریان فکری، دیگری را رد می‌کنند. در این میان، افراط‌گرایان دینی «برای مشروعیت‌بخشی به رفتارهای خود و یا جلب حمایت و پشتیبانی مسلمانان، آموزه‌های اسلامی به‌ویژه احکام مرتبط با جهاد و یا نصوص مربوط به مبارزه با مظاهر فساد را محمل شرعی رفتار خود قرار می‌دهند». (آقابابی، ۱۳۹۰ ش: ۱۸۵) اینان با فهم نادرست دین، خود به گمراهی رفته و بسیاری را نیز به گمراهی کشانده‌اند و متأسفانه «هنگامی که شریعت اسلام به سطح بیانیه‌های افراطی تنزل پیدا می‌کند، برای طرفداران سرسخت آن به ابزار بحث‌برانگیزی بر ضد سایر جهانیان و بالخصوص غرب (این عمدتاً همان چیزی است که ما را مجزا می‌سازد و باید مورد تاکید واقع شود) و سلاحی برای سخت‌گیری در درون جوامع خودشان (مثل هرکس که در مورد شریعت مقدس با ما مخالفت ورزد، مرتد است) مبدل می‌گردد. در این رویکرد، شریعت اسلام، هسته‌ی مرکزی یا کانون برخورد قریب‌الوقوع تمدن‌ها به حساب می‌آید.» (ارنست، ۱۳۸۹ ش: ۷۱)

۱-۳. جهل به اسلام یا برداشت نادرست از آموزه‌های الهی

کسانی که آگاهی چندانی از شریعت ندارند، اما، مدعی علم و فقاقت و معرفت‌اند و خود را امام و پیشوای دیگران می‌دانند، با سوءفهم متون دینی و برداشت نادرست از نصوص شرعی و نهایتاً تفسیر اشتباه آموزه‌های اسلام، موجب گمراهی خود و دیگران می‌شوند. این عده به قرائت و فهم خود از ظواهر آیات و روایات اکتفا می‌کنند و آن‌ها را مطابق با تلقی خود تفسیر کرده و تغییر می‌دهند و در امور حلال و حرام، گرفتار افراط و تفریط می‌شوند و آن دو را با هم در می‌آمیزند، به طوری که تشخیص صحیح از ناصحیح را برای عموم مردم دشوار می‌کنند. این عالم‌نماها که فهمشان از دین، سطحی است، خود را صاحب‌نظر در دین و شریعت معرفی می‌کنند و با صدور احکام و فتوایی که همگی برداشت‌های نادرست از احکام الهی است، موجب گمراهی خود و بسیاری از افراد جامعه‌ی خود می‌شوند.

از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین عواملی که این عالم‌نماها را به افراط و صدور احکامی همچون تکفیر افراد بیگناه و کشتار مردم، حتی زنان و کودکان، کشانده است، حکم به ظواهر نصوص شرعی بدون توجه به دلالت و مفهوم این نصوص و بدون ملاحظه‌ی

قواعد استدلال و جمع میان ادله‌ی شرعی و فهم علما و نیاز جوامع نوین است. (العقل، ۱۹۹۸ م: ۲۲)

این شیوه‌ی تفسیر آیات و روایات در طول تاریخ اسلام منجر به انحراف و گمراهی گروهی از مسلمانان شده است و از خطرناک‌ترین و بارزترین تبعات آن، فتنه‌ی تکفیر و حکم به کفر و خروج از دین بسیاری از افراد بی‌گناه، بدون ضابطه‌ای شرعی و بی‌هیچ دلیل موجه و حتی اثبات ادعای کفر و ارتداد، در عصر کنونی است.

اینان با متوجه نمودن اتهام کفر، بی‌دینی و ارتداد به بسیاری از مردم و جماعات، حکم به مباح بودن جان و مال آنان می‌کنند و بر مردمان بی‌گناهی که آرام در خانه‌های خود آرمیده‌اند، می‌تازند و خون بی‌گناهان را بر زمین می‌ریزند. این جماعت، حتی از به آتش کشیدن مساجد ابایی ندارند و با این اعمال ضد بشری و شرم‌آور که وجدان هر انسان آزاده‌ای را به‌درد می‌آورد، روز به روز فساد و آشوب بیش‌تری را در مناطق تحت اشغال خود به‌بار می‌آورند.

افراط‌گراها و تکفیری‌ها درحالی بدون هیچ ترس و واهمه‌ای حکم به ارتداد افراد بی‌گناه می‌دهند که نصوص شرعی زیادی در پرهیز از تکفیر دیگران و انذار کسانی که به تکفیر ناروای مسلمانان حکم می‌کنند، وجود دارد. از جمله‌ی این احادیث می‌توان به حدیثی که در صحیح بخاری آمده است، اشاره نمود: «وَمَنْ دَعَا رَجُلًا بِالْكَفْرِ، أَوْ قَالَ: عَدُوَّ اللَّهِ، وَكَيْسَ كَذَلِكَ، إِلَّا حَارَ عَلَيْهِ» (هرکس شخصی را کافر و یا دشمن خدا بخواند و در واقع چنان نباشد، کفر و عداوت خدا به خود وی باز می‌گردد). (البخاری، باب ما ینهی من السباب واللعان، ۷/ ۸۴)

در جمع‌بندی آنچه بیان شد، می‌توان گفت: «از عوامل تکفیر و خشونت، در سطح فردی، عواملی نظیر منفعت‌جویی، احساس هویت‌یابی با گروه‌های تروریستی، باورهای فرد و هم‌گرایی ایدئولوژیک با گروه‌های تروریست، نقص در فرایندهای اجتماعی شدن، تجارب زندگی مشقت‌بار و احساس نارضایتی از زندگی و توانایی تصور گزینه‌های دیگر نقش دارند است. و در سطح ساختاری و محیطی، عواملی نظیر نبود دموکراسی و آزادی‌های مدنی، عدم حاکمیت قانون، نابرابری شدید طبقاتی، ضعف در ساختارهای قدرت، نوسازی سریع، گسترش ایدئولوژی‌های افراطی، جنگ‌های داخلی، انقلاب، سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران خارجی، ناکامی دولت‌ها در جذب نیروهای اجتماعی و رویدادهای تحریک‌کننده نظیر بحران‌های اقتصادی می‌توانند در بروز خشونت و افراط‌گرایی سیاسی نقش آفرینی کنند». (نظری، ۱۳۹۴ ش: ۴۲-۴۳)

۲. پیامدهای ظهور افراط‌گرایی و خشونت

ظهور گروه‌های تندرو و افراط‌گرا و به‌وجود آمدن نحله‌های انحرافی و در نتیجه ترویج خشونت و جنایت با نام دین، تبعات جبران‌ناپذیری را برای اسلام و مسلمانان و برای تمام بشریت به دنبال داشته است که می‌توان برخی از آثار شوم این پدیده را تحت عناوین زیر برشمرد:

- ا. قتل‌عام و نسل‌کشی مسلمانان و ایجاد نفرت و بی‌اعتمادی میان برادران دینی.
- ب. ساختن چهره‌ای خشونت‌طلب و به دور از واقع از مسلمانان و زشت‌نمودن چهره‌ی دین مبین اسلام و تعالیم آسمانی آن در اذهان عمومی.
- ت. افزایش خشونت‌ها بر ضد مسلمانان و تعرض به حقوق آنان در جوامع غیراسلامی.
- ث. به بن‌بست رسیدن تلاش‌ها برای دعوت به اسلام به سبب چهره‌ی مخدوشی که از این دین برای مردم ترسیم می‌شود.
- ج. اهانت به اعتقادات اسلامی و مقدسات مسلمانان.
- ح. ایجاد زمینه برای سوءاستفاده‌ی فرصت‌طلبان در جنگ‌افروزی و فتنه‌انگیزی بر ضد کشورهای اسلامی.
- خ. دخالت کشورهای اروپای در امور داخلی کشورهای مسلمان و تحمیل پیمان‌ها و دستورالعمل‌های سیاسی و امنیتی بر این دولت‌ها.
- د. ظهور استعمار نوین و استفاده از تروریسم به عنوان دست‌مایه و بهانه‌ای سیاسی برای بسط سلطه بر دولت‌های اسلامی خصوصاً کشورهای عربی.
- ذ. تاثیر منفی جنگ و آشوب در کشورهای اسلامی، بر توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی این کشورها و کاهش ذخایر ارزی آن‌ها در کشورهای اروپایی.
- ر. رکود سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای اسلامی و خروج سرمایه‌ها از این کشورها.
- ز. بحران مهاجرت، پناهندگی و بی‌خانمانی شمار زیادی از مسلمانانی که از ترور، حملات انتحاری، ناامنی و وحشت به تنگ آمده‌اند.
- س. ممانعت از سفر مسلمانان به کشورهای اروپایی و یا اعمال سخت‌گیری‌های بیش از حد بر آنان.

ش. رکود بازار گردشگری به علت هراس از حملات انتحاری و ناامنی در کشورهایی که مورد تعدی تروریست‌ها قرار گرفته‌اند و بسیاری تبعات ویران‌گر دیگر که این مقاله گنجایش احصا و تحدید همه‌ی آن‌ها را ندارد.

۳. فتنه‌ی دشمنان اسلام

نبرد حق و باطل، نزاعی کهن و دیرینه است و تا پایان دنیا نیز ادامه خواهد یافت. از آغاز بعثت پیامبر گرامی اسلام تا کنون، فتنه‌انگیزی‌ها و دسیسه‌چینی‌های دشمنان اسلام بر ضد دین و بر ضد پیامبر و پیروانش ادامه داشته است. خداوند متعال در قرآن کریم به نیت کافران و نزاع همیشگی آنان با مسلمانان اشاره نموده است، آن‌جا که می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند). (بقره/۲۱۷)

هنگامی که تاریخ مبارزه میان مسلمانان و دشمنان آنان را از آغاز دمیدن فجر اسلام تا عصر حاضر مرور می‌کنیم و با نگاهی نافذتر به بررسی رخدادهای دوران کنونی می‌پردازیم، می‌بینیم که مسلمانان، در طول تاریخ، همواره با فشارهای سیاسی و امنیتی فراوانی از سوی ابرقدرت‌ها مواجه بوده‌اند و بسیاری از کشورهای مسلمان‌نشین سال‌ها از سلطه‌ی استبداد و استعمار رنج برده‌اند که این ظلم و سیطره بر کشورهای اسلامی، امروزه در جنایت‌های ضد بشری که رژیم صهیونیستی بر ضد مسلمانان فلسطینی مرتکب می‌شود، به اوج خود رسیده است.

دولت‌های غربی که منافع مشترکی با صهیونیست‌ها داشته و سیاست‌های هم‌سوئی را با این رژیم در نابودی اسلام و مسلمانان تعقیب می‌کنند، با تایید و حمایت سردمداران بی‌دینی و یا افراط‌گرایی دینی در جوامع اسلامی، چه در قالب افراد و چه در لوای فرقه‌ها و نحله‌های افراطی و تکفیری، برای شعله‌ور شدن آتش تکفیر و ترور و خشونت در دولت‌های اسلامی کوشیده‌اند و همین آتش فتنه‌ای که خود در کشورهای اسلامی افروخته‌اند، دامان مردم بی‌گناه کشورهای غربی را نیز گرفته است و همان‌طور که شاهدیم، اندیشه‌های افراط‌گرایانه، خشونت، انتحار و دیگرکشی در دوران حاضر، حد و مرزی نمی‌شناسد و گاه مردم سوریه و عراق و افغانستان را هدف قرار می‌دهد و گاه در متروهای کشورهای اروپایی، مردم بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشد. «سوء استفاده از جو تکفیر در جوامع اسلامی و اختلاف‌های داخلی آن‌ها، مسأله‌ای است که همواره در طول تاریخ اسلام مورد توجه دشمنان اسلام بوده است. این امر که با

آزمندی‌های استعمارگران ارتباط تنگاتنگی داشته، موجب شده مردم دشمنان اصلی خود را فراموش کرده و با دسته‌بندی و جبهه‌گیری علیه یکدیگر، زمینه‌ای سوء استفاده دشمنان و دستیابی استعمار به اهداف شوم خود را فراهم سازند». (حاجی علی و خالصی نژاد، ۱۳۹۳ش: ۱۶) لذا باید مشکل اصلی را در فتنه دشمنان یافت و مواظب بود که مسلمانان بصیرت به خرج داده و آب در آسیاب دشمن نریزند که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «حضور نیروهای تکفیری که امروزه متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعالند خطر بزرگشان این نیست که بی گناهان را می‌کشند، آن هم جنایت است، بزرگ است؛ اما خطر بزرگ این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین می‌کنند. این خیلی خطر بزرگی است» (فیروزآبادی، ۱۳۹۳ش: ۷).

۴. اسلام و نفی خشونت

اسلام با تعالیمی جان‌بخش و اهدافی متعالی برای حفظ دین مردم و پاسداری از کرامت آنان آمده است و رسالت این دین الهی، پاسداری از حقوق انسان‌ها و هدایت بشر به همه‌ی آنچه که به نفع دین و دنیای آنهاست، می‌باشد.

آیین اسلام، پیروان خود را به مبارزه با خشونت و جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران با همه‌ی اشکال آن، خصوصاً ایجاد رعب و وحشت میان انسان‌های بیگناه و حتی کفاری که به مسلمانان پناه آورده‌اند، فرا می‌خواند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس، او را به مکان امنش برسان). (توبه/۶)

اسلام، دین محبت و رحمت میان آفریدگان، تعاون اجتماعی و احسان و عطف نسبت به هم‌نوعان است. در این دین مبین، مسلمان برادر مسلمان است و جایز نیست برادری بر برادر خود ظلم و تعدی نماید و او را تحقیر کرده و باعث آزار و رعب و وحشت او گردد. خداوند بلندمرتبه، رسالت رسول گرامی خود را رحمت و مغفرت برای تمامی آفریدگان ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم) (الانبیاء/۱۰۷) و از بندگان خود می‌خواهد، زبان آن‌ها و کردار و اعمال آن‌ها، پاک و مبرا از گناه بوده و همگی برای تعامل و نیکی تلاش کنند و در مسیر خیر و خوبی گام برداشته و از شر و بدی به دور باشند: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (و نیکی با بدی یکسان نیست، [بدی را] با آنچه خود بهتر است دفع کن،

آن‌گاه، کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک‌دل می‌گردد). (فصلت/۳۴) این همان دعوت اسلام راستین به کنار نهادن خشونت، افراط، خون‌ریزی، قتل و کشتار است.

در آیین اسلام که دین رحمت برای همه‌ی مخلوقات است، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، پاسداری از حقوق انسان‌ها و ایجاد روابط حسنه با پیروان دیگر ادیان، از هر نژاد و با هر رنگ پوستی و فراهم نمودن صلح برای همه‌ی بشریت، از مفاهیم بنیادین است و این دین مهر و نیکی، جز در مواردی که ضرورتی در کار باشد، مانند مقابله با ظلم و تجاوز و دفاع از خانواده و جان و مال و دین و وطن، هیچ‌گاه جنگ و خشونت را نمی‌پذیرد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، اما از اندازه درنگذیرید زیرا خداوند، تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد). (بقره/۱۹۰)

البته «اسلام»، ضمن محکوم کردن تروریسم در تمامی اشکال و مظاهرش، میان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و ضد اشغال‌گری، با تروریسم تمایز قائل می‌شود. حمایت از مردم مظلوم فلسطین در برابر جنایات اسرائیل، مصداق بارز همین مسأله است؛ در حالی که دنیای غرب، اعمال این حق مشروع و مبارزه با اشغال را اقدامات تروریستی خوانده و تبلیغات منفی زیادی در این زمینه انجام می‌دهد». (بزرگمهری و خادمیان، ۱۳۹۳ ش: ۲)

۵. تکفیر در نگاه علمای اسلام

بررسی اجمالی حکم تکفیر در فقه مذاهب اسلامی به‌وضوح مبین اتفاق نظر علمای فریقین بر این امر است که هیچ مسلمانی با ارتکاب گناه کبیره از اسلام خارج نمی‌شود. در فتح الباری چنین آمده؛ (هیچ مسلمانی را نمی‌توان تکفیر نمود مگر آن‌که همگان بر تکفیرش اجماع نموده باشند و یا با اقامه‌ی دلیل قطعی از کتاب و سنت تکفیر او اثبات گردد). (العسقلانی، ۱۳۷۹؛ ۳۱۴/۱۲)

"نوی" از علمای اهل سنت در حکم تکفیر چنین می‌نویسد: «واعلم أن مذهب أهل الحق: أنه لا يكفر أحد من أهل القبلة بذنوب ولا يكفر أهل الأهواء والبدع الخوارج و المعتزلة وغيرهم، وإن من جحد ما يعلم من دين الإسلام ضرورة حكم بردته وكفره» (صحیح مسلم، بی‌تا، ۱۵/۱) عقیده صحیح بر این است که هیچ‌کس از اهل قبله تکفیر نمی‌گردد؛ همان‌گونه که تکفیر فرقه‌های انحرافی نیز جایز نمی‌باشد، صرفاً کسی که

ضروریات دین را انکار کند، کافر است.) سایر فقهای مذاهب اهل سنت نیز بر این نظر اجماع دارند. امام ابوحنیفه درباره تکفیر مسلمانان بسیار محتاط بوده و صراحتاً تکفیر اهل قبله را جایز نمی‌شمرد؛ «وَلَا تُكْفَرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ» (ابوحنیفه، بی‌تا؛ ۷۱۸) با رجوع به آراء فقهای معاصر، همین دیدگاه را در عدم تکفیر مسلمانان و اهل قبله مشاهده می‌نماییم. از جمله فتاوی‌یی که در رد تکفیر آمده، فتاوی‌ی شیخ یوسف قرضاوی در کنفرانس بین‌المللی مذاهب اسلامی و چالش‌های معاصر است. مجموعه فتاوی‌دها نفر از علمای اهل سنت و شیعه در این کنفرانس که در سال ۱۳۲۶هـ ق به همت دانشگاه آل‌البیت اردن در شهر عمان برگزار شد، پس از اتمام کنفرانس منتشر شده و به عنوان یک سند مهم تاریخی در اردن به ثبت رسید. این مجموعه فتاوا، در کتاب (اجماع المسلمین علی احترام مذاهب الدین) با مقدمه شیخ سید محمد طنطاوی یکی از علمای الازهر در ۸۰۰ صفحه به چاپ رسیده است. متن فتاوی‌ی شیخ یوسف قرضاوی در همین کتاب درج شده است که در پاسخ به سؤال: آیا تکفیر پیروان مذاهب عقیدتی، فقهی و سلوکی، صرفاً به دلیل مخالفت در مذهب و نظر، جایز است؟ چنین نوشته است:

هر که با اخلاص قلبی: «اشهد أن لا اله الا الله وأن محمداً رسول الله» گوید مسلمان است و از همه حقوق مسلمانی برخوردار بوده و همه تکالیف آن را هم عهده‌دار خواهد بود. چنین فردی از خلود در آتش جهنم نجات یافته است. اما اگر نه از روی اخلاص بلکه تنها ظاهراً شهادتین را بر زبان راند و قلباً به آن معتقد نباشد، منافق است. چنین فردی در ظاهر، احکام مسلمانان بر او جاری می‌شود، هرچند که پایین‌ترین طبقات جهنم، جایگاه اوست. (ابن طلال، ۲۰۰۶؛ ۱۸۰)

علمای امامیه نیز در رد تکفیر مسلمانان با علمای اهل سنت اجماع نظر دارند؛ سیدکاظم یزدی کافر را کسی می‌داند که الوهیت، توحید، نبوت یا امری از ضروریات دین را انکار کند؛ و بر این باور است که انکار ضروری دین در صورتی موجب کفر می‌شود که توجه به ضروری بودن آن داشته باشد؛ به گونه‌ای که انکار آن به انکار رسالت بازگردد. (یزدی، ۱۴۰۹؛ ۶۷/۱)

رأی امام خمینی (ره) نیز در عدم تکفیر به عنوان یک سند تاریخی از آراء علمای امامیه ثبت شده است؛ ایشان صراحتاً اعلام می‌دارد: آنچه از روایات استفاده می‌شود این است اقرار به شهادتین، تمام حقیقت اسلام است و هر کس آن دو را بر زبان آورد، آثار اسلام بر او مترتب می‌شود. (خمینی، ۱۳۶۸؛ ۶۲۵/۳)

آیت‌الله خوئی نیز انکار ضروری را مستلزم کفر و نجاست منکر می‌داند، آن‌جا که ملازم با تکذیب نبی باشد، مثلاً فرد با علم به این‌که آن‌چه را انکار می‌کند جزء دین است، انکار نماید و اما اگر این شرط محقق نباشد منکر آن کافر نیست و مخالفان ولایت هرچند منکر امامت امامان هستند ولی چون یقین ندارند پیامبر (ص) چنین مطلبی را فرموده است انکار آنان مایه‌ی کفر نیست. بنابراین ولایت از ضروریات مذهب شیعه است و از ضروریات دین نیست. (خوئی، ۱۴۱۰؛ ۸۶۲)

این مختصر تنها اشاره‌ای گذرا به آراء علمای فریقین در رد تکفیر بود و به‌خوبی مبین تفاوت دیدگاه آشکار میان رای علمای اسلام و آراء خودساخته تکفیری‌ها است که نه با استناد به تعالیم اسلام بلکه، با نام اسلام به صدور فتوا در تکفیر مسلمانان روی می‌آورند.

۶. نقش علمای دین در مقابله با خشونت و تکفیر

رشد فرهنگی صحیح، سالم و سازنده از مهم‌ترین و اثرگذارترین شاخصه‌های تکوین روان سالم است. فرهنگ صحیح و پویا با خود امنیت به همراه دارد و تاثیر امنیت فرهنگی در تامین امنیت سیاسی یک کشور، کم‌تر از دستگاه‌های امنیتی آن نیست. کسانی که فرهنگی غنی و سالم داشته باشند، اعمالی را که منافی رفتار انسانی است مرتکب نمی‌شوند.

بسیاری از پژوهش‌گران، ترور، خشونت و جنایت را به فقر و تنگنای مالی نسبت می‌دهند و بیکاری، فقر و بحران اقتصادی را عامل اصلی ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز معرفی می‌کنند. اما هنگامی که با نگاهی موشکافانه‌تر به بررسی پدیده‌ی خشونت و ظهور گروه‌های افراط‌گرا و گرایش افراد به عضویت در این گروه‌ها پرداخته می‌شود، درمی‌یابیم که انگیزه‌ی ارتکاب این جنایت‌ها لزوماً فقر نیست، بلکه، علت عمده‌ی کشش و گرایش بسیاری از این افراد به سوی خشونت و افراط، عدم پایداری به فهم سلف صالح از دین، خلا فکری و اعتقادات نادرستی است که از منابع عقیدتی افراط‌گرا و گرایش‌های دینی تندرو دریافت داشته‌اند و این مبانی فکری نادرست، یا از طریق رسانه‌ها و یا در تجمعات و نشست‌های خصوصی به آن‌ها القا شده است.

نباید این مسأله را از نظر دور داشت که تربیت صحیح دینی، از مهم‌ترین عواملی است که به امنیت روانی جامعه می‌انجامد و به پایداری رفتاری و جلوگیری از اعمال خشونت‌آمیز منتهی می‌شود. تربیت دینی، ارزش‌هایی را که بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز،

حسن هم‌جواری و صلح استوار است، در جامعه حکم‌فرما می‌کند و این همان شیوهی برتری است که قرآن کریم بر پایه‌ی احترام به حقوق و کرامت انسان‌ها تبلیغ می‌کند. نگاهی به حوادث چند دهه‌ی اخیر و ظهور مسائلی هم‌چون تکفیر و جهاد، خصوصاً دخالت‌های روزافزون کشورهای غربی در امور داخلی ملت‌های مسلمان و تحمیل خواسته‌های خود به این کشورها، نشان می‌دهد که در بسیاری از مواقع، بسیاری از عالمان اسلامی، در پاسخ به این بحران‌ها و فتنه‌ها و مقابله با آشوبی که داعیان تکفیر برمی‌انگیزند و شبهه‌هایی که در راه ترویج افکار خود برای مردم ایجاد می‌کنند، کوتاهی کرده‌اند و آن‌چنان که درخور مقابله با این تهدید بوده، اقدام ننموده‌اند.

پاسخ به شبهه‌افکنی تکفیری‌ها با حجت و برهان و آشکارسازی حقیقت اسلام برای تمامی ملت‌ها امری مهم و برای علماء وظیفه‌ای خطیر است و ضروری است که عالمان دینی، مسؤولیت این روشن‌گری را برعهده گیرند، تا مردم و خصوصاً جوانان، شناخت و آگاهی لازم را از تهدیدهای فرارو و از افکار منحرف و ناصحیحی که به اسلام نسبت داده می‌شود، داشته باشند.

اسباب افراط، غلو در دین و خشونت و تکفیر افراد، به جهل و ناآشنایی با ضروریات دین، ارکان ایمان و شروط توحید و نیز حقیر شمردن کرامت و حرمت نفس بشری باز می‌گردد. هیچ انسان آگاه و اندیشمندی نمی‌تواند شخصیت اسلامی را به افراط متهم کند و باورهای اسلامی را خشونت‌طلب خواند. افراط‌گرایی و دیگرکشی هرگز نمی‌تواند از تربیت صحیح دینی به‌وجود آید و مقابله با خشونت و افراط در جوامع نیز، با تربیت صحیحی که فضایل و ارزش‌های متعالی را در جان‌ها بنیادین سازد، امکان‌پذیر است.

از این‌رو، برترین شیوهی منع افراط در جامعه، اعاده‌ی تعالیم اسلام در همه‌ی عرصه‌هاست که این آیین الهی، با تسامح و مهری که محصور در عصر و زمانی خاص نبوده و قادر است تا در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها با تحولات زندگی بشر همگام باشد و تعالیم آسمانی خود را برای هدایت آنان عرضه دارد.

بی‌شک امت اسلامی در عصر حاضر نیازمند افرادی است که دست روی نقاط مهم و حیاتی گذاشته و آراء خشونت‌طلب و افراط‌گرایی را که بن‌مایه‌های فکری تکفیری‌ها بر آن بنا شده است، شناسایی کنند و اعتقاد ناروا و به دور از واقع آنان را با ادله‌ی شرعی و با استناد به قرآن و سنت راستین پیامبر پاسخ گویند. علمای اسلام باید مرز میان حقیقت و کذب را برای مردم جامعه مشخص نمایند و با اتخاذ مواضع واضح و آشکار

بر پایه‌ی آیات قرآن و احادیث شریف نبوی و نیز، اقوال و آرای معتبر علمای اسلام و اجماع آنان در طول قرن‌ها، آتش فتنه‌ی تفرقه‌افکنان و افراط‌گرایان را مهار نمایند. از آنجایی که علاج افراط و غلو در دین اسلام را جز در خود اسلام نباید جست و باید راه نجات و رهایی از این شبهه‌افکنی‌ها را در همین زبان و آیینی که افراط‌گرایان با نام آن به تبلیغ عقاید خود می‌پردازند، یافت، چراکه پاسخ این شبهات نه در خارج از دین اسلام بلکه در عمق این دین نهفته است؛ در اینجا مسؤولیت خطیری را که علمای اسلام در راستای مقابله با خشونت و تکفیر و شیوع افکار منحرف و شبهه‌افکنی نحله‌های انحرافی برعهده دارند، می‌توان به‌صورت مختصر در موارد زیر برشمرد:

۶-۱. بیان میانه‌روی و اعتدال در آیین اسلام و نهادینه کردن آن در جامعه

حقیقت دین مبین اسلام و احکام معتدل این دین، باید آن‌چنان در باور مسلمانان جای گیرد که بر راه راست، یا به تعبیر قرآن «صراط مستقیم»، استوار و ثابت‌قدم بوده و با فتنه‌های دشمنان دین و ناآگاهان و تفرقه‌افکنان، از این راه منحرف نگردند و این ممکن نخواهد بود جز از طریق مبارزه با هرگونه غلو و افراط در دین و جلوگیری از نشر این افکار.

۶-۲. شناخت افکار منحرف و تجهیز فکری جوانان بر ضد این عقاید

پیش از نشر افکار انحرافی و تبلیغ آن در جوامع، باید روشنگری‌های لازم توسط علمای دین صورت گیرد تا این اندیشه‌ها مردم جامعه را تحت تاثیر قرار ندهد. راه علاج، منع ورود این افکار به ذهن جوانان نیست چراکه عطش کنجکاوی آنان را بیش‌تر برمی‌انگیزد بلکه، راه درست، روشن‌گری و گشودن دیده‌ی بصیرت مردمان بر انحراف این افکار است، تا خود، خطرات و تهدیدهای پیش‌رو را دریابند و از این اندیشه‌ها متاثر نگردند.

۶-۳. روشن‌گری در خصوص خطرات پیروی از نحله‌های منحرف و افراط‌گرا

علی‌رغم وضوح تهدیدها و چالش‌های خشونت‌طلبی و افراط‌گرایی، متأسفانه برداشت‌های کورکورانه و بدون علم و آگاهی از دین، ایجاد شبهه و نیز بهره‌جستن از رسانه‌ها و دیگر ابزارهای تبلیغاتی توسط گروه‌های تکفیری برای نشر افکار خود، زمینه را برای فریب بسیاری از مردمی که ناآگاهانه در مقابل حجم عظیم این تبلیغات و شبهه‌ها قرار می‌گیرند، فراهم نموده است.

۶-۴. اصلاح شیوه‌های تعلیم و تربیت اسلامی مطابق با نیاز دوران معاصر

ضروری است برخی منابع و متون آموزشی و شیوه‌های تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس نیاز روز تغییر کرده و نوسازی شود، خصوصاً، باید برخی از فتاوایی که در برهه‌هایی از تاریخ اسلام صادر شده و اکنون، اوضاع و شرایط اعمال آن دگرگون و چهارچوب و توجیحات و مبررات آن نیز تغییر یافته است، مورد تجدید نظر قرار داد و در پرتو شرایط جدید و در ضمن توجیحات کتاب الهی و سنت نبوی، دلالات آن را بر معانی معتمد و مورد اتفاق مشخص نمود.

۶-۵. تربیت و آموزش دانش‌آموختگانی آگاه و با بصیرت در علوم دینی

وجود فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم دینی که صرفاً گواهی‌هایی علمی با خود حمل می‌کنند و افق دیدی محدود داشته و از حوادث روز بی‌خبر و از آن‌چه پیرامون آنان در جریان است غافلند، ثمری برای بهبود وضعیت جامعه در بر نخواهد داشت و آموزش ایشان، تلاشی بی‌ثمر و رنجی بیهوده و بی‌بهره است که به نتیجه‌ای عکس آن‌چه انتظار می‌رود می‌انجامد. در واقع، این فارغ‌التحصیلانی که دانش کافی و لازم را کسب نکرده و بدون آگاهی لازم به عنوان یک عالم دینی در جامعه حضور می‌یابند، نه تنها نمی‌توانند در مقابله با فتنه‌های معاندان اسلام کاری از پیش برند، بلکه، گاهی خود از روی ناآگاهی و جهل نسبت به آموزه‌های دین، اسباب ترویج افکار افراط‌گرا را فراهم می‌کنند. بنابراین، دانش‌آموختگان و طلاب مراکز علوم دینی، باید با دیدی روشن، تعالیم ناب قرآن و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) را در سلوک خود به‌کار گیرند و اهداف هستی‌بخش و رحمت‌آفرین شریعت را در بنای امتی جاویدان و دنیایی که برادری و محبت بر آن حکم‌فرما باشد، برای مردم جامعه‌ی خود و برای تمامی انسان‌ها بازگو نموده و در میان آنان نهادینه سازند.

۶-۶. بهره‌گیری از رسانه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی در مقابله با شبهه‌افکنی‌ها

تردید نیست که رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نقشی بارز در هدایت افکار عمومی دارند. دشمنان اسلام با بهره‌گیری از رسانه‌ها و با زشت جلوه دادن چهره‌ی دین و به تصویر کشیدن تمام خشونت‌ها و جنایت‌هایی که توسط گروه‌های تکفیری و با نام اسلام صورت می‌گیرد، علاوه بر این‌که نفرت افکار عمومی را نسبت به مسلمانان بر می‌انگیزند، با ایجاد عرصه‌ای مناسب برای این گروه‌ها جهت تبلیغ افکار خود، زمینه‌ی ترویج خشونت و افراط‌گرایی را در میان مسلمانان فراهم می‌کنند. بنابراین، ضروری

است ذهن افراد جامعه را با آموزه‌های صحیح و تربیت دینی تغذیه نمود تا جایی که، بتوانند سره را از ناسره تشخیص داده و تحت تاثیر تبلیغات افراط‌گرایان و شبه‌افکنی تکفیری‌ها قرار نگیرند. برای تحقق این امر، دولت ملزم است تمام توان رسانه‌ی عمومی را برای پاسخ‌گویی به شبهه افکنی‌ها و خنثی‌سازی تبلیغات سوء نحله‌های انحرافی به‌کار برد و بی‌شک، علمای اسلام با حضور در این عرصه می‌توانند نقشی بی‌بدیل را در جلوگیری از نشر افکار انحرافی ایفا کنند و رسالت اصلی خود را که همان پاسداری از مرزهای اسلام ناب محمدی است ادا نمایند.

۶-۷. زدودن تصویر نادرست غرب‌ساخته از مسلمانان

یکی از مفروضات قرآن کریم این است که «همه‌ی مسلمانان یکسان نیستند. هم‌چون هر گروه یا بخش عمده‌ی دیگری از ابنای بشر، مسلمانان نیز در زندگی تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار می‌گیرند که از آن میان می‌توان به طبقه‌ی اقتصادی، دسترسی به قدرت سیاسی، قومیت، جنسیت، ملیت، موقعیت، زبان و تاریخ اشاره کرد. فهم مسلمانان از قرآن و روایات یکسان نیست؛ به همین خاطر، مسلمانان افراطی خشونت‌طلب را باید از غیر ایشان جدا ساخت چرا که اگر همه‌ی مسلمانان افراطیون خشونت‌طلب باشند، فقط احتمال یک واکنش نسبت به آنان وجود دارد: رویارویی خشونت‌آمیز». (ارنست، ۱۳۸۹ ش: ۶۱)

این تصویر نادرست که بر مبنای کنش ناصحیح گروهی از مسلمانان شکل گرفته و به اسلام نسبت داده شده است، چارچوب ذهنیت و باور بسیاری از مردم کشورهای اروپایی را نسبت به اسلام و مسلمانان تشکیل داده است که رسانه‌های غربی نیز با دستاویز قرار دادن آن روز به روز به تبلیغ اسلام‌هراسی برای دستیابی به اهداف خود در سرکوب مسلمانان و غارت ثروت‌ها و منابع کشورهای اسلامی می‌پردازند.

۶-۸. تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی و گفتگوی مسالمت‌آمیز

از مهم‌ترین عواملی که تهدیدی بزرگ برای همگرایی امت اسلام به شمار می‌رود، این است که تفرقه‌ی میان مسلمانان ناشی از انگیزه‌های دینی بوده و یا این‌که برخی از متدینین و حاملان فکر شرعی در آن سهیم باشند، کسانی که انتظار می‌رود، در مسیر تمسک به وحدت و هم‌بستگی جهان اسلام گام بردارند. لطماتی که جهان اسلام از ناحیه‌ی تنش‌ها و کشمکش‌های مذهبی و عقیدتی متحمل شده و هم‌چنان متحمل می‌شود، هر مسلمان فهیمی را به درک حساسیت شرایط و دوری از اختلاف و تفرقه وامی‌دارد.

۶-۹. تبلیغ ارزش‌هایی چون خویش‌داری، عفو و گذشت در جامعه

اسلام این آموزه‌ها را به‌عنوان تعالیمی الهی برای بشریت، در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها، به ارمغان آورده است و تکیه بر خطابه‌ها و موعظه‌های آرام، صلح‌طلبانه و غیرعدوانی، دعوت به دین با حکمت و موعظه‌ی حسنه و پرهیز از جدل‌های داخلی می‌تواند نقش بسزایی در ترویج صبر و خویش‌داری در جامعه و جلوگیری از جدال‌های باطل و ناروا داشته باشد.

۶-۱۰. بیان نگرش و موضع اسلام نسبت به ترور، تکفیر، خشونت و هراس افکنی در**جامعه**

تبيين نگرش دین مبین اسلام به حقوق انسان و کرامت نفس بشری و بیان این‌که تفاوت میان آموزه‌های اسلام راستین، با همه‌ی بخشش و رحمت و عطفی که بدان فرا می‌خواند، با دین سیاهی، خشونت و نفرت و افکار افراط‌گرا، از ثری تا ثریا است و نیز هشدار به هموطنان در خصوص تبعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی افراط و غلو در دین، از مسؤولیت‌های خطیری است که علمای اسلام برعهده دارند.

۶-۱۱. احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

این فریضه‌ی الهی، حافظ امنیت امت اسلامی است و مقابله با همه‌ی منکرات و ظواهر آن در جامعه و نشر فضیلت و تقوا در میان مردم، سبب نزول خیرات و برکات در آن جامعه است و خداوند تبارک و تعالی نیز در آیه‌ی ۹۶ سوره‌ی اعراف، با اشاره به تاثیر ایمان در جلب برکات و خیرات می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشائیم، اما (آن‌ها حقایق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم). (اعراف/۹۶)

۶-۱۲. تلاش برای پرکردن خلأهای روحی افراد جامعه

مقابله با سوءرفتارها و پرکردن خلأهای روحی افراد جامعه، خصوصاً جوانان، چه از طریق مساجد که بهترین و برترین جایگاه ایراد خطبه‌های هدایت‌گر و بصیرت‌افزا توسط روحانیون است و چه از طریق دیگر کانون‌ها و مجالس فرهنگی-تبلیغاتی و برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی درخصوص معضلات موجود و پیش‌رو و راه‌های حل

این موانع و مشکلات، یکی از تدابیر مهم و حساسی است که باید توسط علمای دین و با پشتیبانی و حمایت همه جانبه‌ی دولت اتخاذ شود. با توجه به آنچه در خصوص مسؤولیت علمای اسلام در دفاع از حریم دین و مقابله با شبهه‌افکنی‌ها و دخل و تصرف‌های ناروا در شریعت بیان گردید، اشاره به این نکته ضروری است که تعالیم دین مبین اسلام پیوسته بر لزوم تعظیم و بزرگداشت علمای راستین، خصوصاً علمای دین، تاکید کرده و مردمان را به حضور در مجالس علم‌آموزی و بهره‌گیری از دانش عالمان ترغیب نموده است. پیامبر گرامی اسلام در بیان رفعت مقام و منزلت عالمان می‌فرماید: «الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَخُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (علما، چراغ‌های زمین‌اند و جانشینان پیامبران و وارثان من و انبیاء هستند). (کنز العمال/۲۸۶۷۷)

علما در دین و شناخت احکام، فهم نصوص شرعی و دعوت به سوی خدا و تبیین نیازهای مادی و معنوی بشر، جانشین پیامبرانند، تا از این طریق، مردم بتوانند عبادات و معاملات خود را سامان داده و روابط خود را بر پایه‌ی شرع و آموزه‌های آن بنیان نهند، به همین سبب، رجوع به علمای راسخ و آگاه و تبعیت از رأی آنان، خصوصاً در مسائلی که به مصالح امت اسلامی مرتبط است، بر همه‌ی همسلمانان واجب می‌باشد. همان‌طور که بر علمای اسلام واجب است با روی خوش و با آغوش باز، مردم را پذیرفته و آنان را ارشاد نمایند و با دستانی مهربان، که لذت حق را به آنها بچشانند، عواطف و احساسات آنان را به سمت خشنودی خداوند هدایت کنند و انرژی و توان آنان را به سوی آنچه ارمغان‌آور خیر و خوبی و منفعت برای اسلام و مسلمین است، سوق دهند.

نتیجه‌گیری

پس از بیان علل گرایش افراد به خشونت و افراط، موضع اسلام در قبال تکفیر و تعدی به جان و مال مردم و نقش علمای دین در مواجهه با تهدیدها و چالش‌های خشونت و تکفیر در عصر حاضر، مهم‌ترین نتایج این پژوهش در موارد زیر خلاصه می‌شود: الف) پس از بررسی محرک‌های گرایش افراد به خشونت، این رهیافت حاصل شد که گرچه بیکاری، فقر و بحران اقتصادی از عوامل مهم ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز است، اما، انگیزه‌ی ارتکاب این جنایت‌ها توسط افراد لزوماً فقر نیست، بلکه، علت عمده‌ی

گرایش بسیاری از این افراد به سوی خشونت و افراط، خلأ فکری و عدم پایبندی به فهم سلف صالح از دین است.

ب) رجوع به آرای فقهای برجسته‌ی اهل سنت و امامیه در خصوص تکفیر مسلمان و بررسی نگاه ایشان درخصوص موضوع مورد نظر، مبین این امر است که علمای اسلام بر عدم تکفیر مسلمانان اجماع نظر داشته و صرفاً کسی را کافر می‌دانند که ضروریات دین را انکار کند.

پ) برای پاسخ به شبهه‌افکنی دشمنان و مقابله با ترویج عقاید نادرست درخصوص تایید خشونت و دیگرکشی در اسلام، باید به آموزه‌های اصیل این دین رجوع نمود، چرا که پاسخ تمام شبهه‌افکنی، تعدی به حقوق دیگران، ترویج خشونت در جامعه و تکفیر انسان‌های بی‌گناه که با ادعای پاسداری از حریم دین صورت می‌گیرد، نه در خارج از اسلام، بلکه، در درون این دین نهفته است.

ت) در بیان بارزترین فعالیت‌های علمای اسلام در مقابله با بحران تکفیر و گرایش افراد به خشونت، می‌توان تلاش‌های ذیل را برشمرد: تبیین مواضع دین مبین اسلام درخصوص تکفیر و تعدی به حقوق دیگران، بازگو نمودن حقیقت اسلام و تسامح و عطوفتی که این دین الهی همواره ابنای بشر را به آن فرامی‌خواند و نهادینه‌کردن این آموزه‌ها در باور مردم جامعه، اصلاح شیوه‌های تعلیم و تربیت اسلامی مطابق با نیاز روز، آموزش دانش‌آموختگانی آگاه که بتوانند با تبیین مسائل دینی، مسیر نشر برداشت‌های ناصحیح از شریعت را سد کنند، احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه.

منابع

- قرآن کریم
- آقابابایی، حسین، (۱۳۹۰ هـ ش)، نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، پاییز ۱۳۹۰، شماره‌ی یکم، ۱۸۳-۲۰۶.
- ابن طلال، قاضی بن محمد، (۲۰۰۶)، اجماع المسلمین علی احترام مذاهب الدین، عمان.
- ابو حنیفه، النعمان بن ثابت، (بی‌تا)، الفقه الأكبر، امارات، مکتبه الفرقان.
- ارنست، کارل، (۱۳۸۹ هـ ش)، اقتدا به محمد (ص) بازاندیشی اسلام در جهان معاصر، ترجمه‌ی حسین نورائی بیدخت، تهران، حقیقت.
- امید، مهدی، (۱۳۸۷ هـ ش)، چالش‌های سکولاریستی و حیطة‌ی عمل حکومت اسلامی، معرفت، فروردین ۱۳۸۷، شماره‌ی ۱۲۴، ۱۳-۳۶.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ هـ ق)، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، قاهره، دار طوق النجاة.
- بزرگمهری، مجید و خادمیان، علیرضا، (۱۳۹۳ هـ ش)، نفی تروریسم در اندیشه‌ی سیاسی اسلام و مواضع سازمان همکاری اسلامی در قبال آن، فصلنامه‌ی اندیشه‌ی سیاسی در اسلام، پاییز ۱۳۹۳، سال اول، شماره‌ی ۱، ۲-۲۸.
- حاجی علی، فریبا و خالصی نژاد، (۱۳۹۳ هـ ش)، زهرا سادات، تکفیر و آثار اخلاقی اجتماعی آن، فصلنامه‌ی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، تابستان ۱۳۹۳، سال نهم، شماره‌ی ۳۶، ۸-۱۸.
- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸)، کتاب الطهارة، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، کتاب الطهارة، تهران.
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۴ هـ ش)، معنا و مبنای سکولاریسم، کیان، مرداد ۱۳۷۴، شماره‌ی ۲۶، ۶-۱۳.
- العسقلانی، ابن حجر، (۱۳۷۹)، دارالمعرفه، بیروت.
- العقل، ناصر بن عبدالکریم، (۱۹۹۸م)، الخوارج أول الفرق فی تاریخ الإسلام، ریاض، دار إشبیلیا للنشر و التوزیع.

- فتحی عید، محمد، (۱۴۲۰ هـ ق)، واقع الارهاب فی الوطن العربی، ریاض، مرکز الدراسات و البحوث.
- فیروزآبادی، سید حسن و همکاران، (۱۳۹۳ هـ ش)، تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نظری، علی اشرف، (۱۳۹۴ هـ ش)، تروریسم جهش‌یافته و ظهور تهدید بنیادین، فصل‌نامه‌ی جبل‌المتین، پاییز ۱۳۹۴، سال چهارم، شماره‌ی دوازدهم، ۳۶-۴۴.
- هندی، علی‌المتقی ابن حسام‌الدین، (۱۳۶۴ هـ ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، هند، دائرة المعارف العثمانیة.
- ویلسون، برایان، (۱۳۷۷ هـ ش)، عرفی شدن، ترجمه‌ی مجید محمدی، تهران، نشر قطره.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی‌تا)، الصحیح، بیروت، احیاء التراث.
- یزدی، محمد کاظم، (۱۴۰۹)، العروه الوثقی، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات.